

درآمد

تقوای قضاوت

قضاوت به عنوان یکی از خطیرترین و موثرترین شئون حوزویان در تحقق دین در جامعه اسلامی، همواره از جوانب مختلف مورد مذاقه بزرگان و عالمان دینی بوده است. عهدنامه مالک اشتر، یکی از ماندگارترین آنهاست که امیرمومنان علیه السلام در آن، به برخی صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز قاضی طراز اسلامی اشاره می‌کنند. از سایر منابع روایی و سیره اهل بیت علیهم السلام و عبارات فقهای بزرگ نیز می‌توان مواردی را یافت که به این امور اشارتی دارند. نوشته حاضر - که برگرفته از سخنرانی استاد گرانقدر حجه الاسلام و المسلمین یوسف غلامی جلیسه (زیدعزه) و با عنوان تقوای قضاوت در مرکز آموزش‌های تخصصی فقه ایراد شده است - به برخی از اموری می‌پردازد که قضات اسلامی باید در امر قضا، نصب العین خود قرار دهند.

لزوم صدور حکم براساس موازین شرعی

حکمی که صادر می‌شود باید هم از نظر حکم و هم از نظر موضوع در چارچوب شرع و بر مبنای تأمین حجت شرعی باشد. اگر قانون مورد تمسک، برای قاضی صادر کننده حکم، حجیت شرعی نداشته باشد، مثلاً خلاف نظر مرجع تقلید او باشد، نمی‌تواند به آن استناد کند. تطبیق آن قانون بر محل نزاع هم باید با دقت تمام باشد. این دو مرحله می‌بایست در چارچوب موازین شرعی اجرا شود. در آیه ۱۰۵ سوره نساء آمده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا». در آیه ۴۴ سوره مائده نیز می‌فرماید: «... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ».

لزوم رعایت احتیاط در صدور حکم

شیخ مفید در کتاب المقنعه صفحه ۷۲۱ از پیامبر اسلام ﷺ نقل می‌کند: «و روي عن النبي ﷺ أنه قال من جعل قاضيا فقد ذبح بغير سكين» یعنی کسی که در مسند قضاوت قرار می‌گیرد، مانند این است که بدون کارد سرش بریده شده است! کنایه از اینکه حفظ این امر کار سختی است. چون دو مشکل وجود دارد. یکی حفظ دین خود قاضی و دیگری حفظ امانات دیگران است که هر دو امر دشواری هستند.

فخر المحققین در ایضاح النافع جلد چهارم صفحه ۲۹۴ در شرح این روایت می‌گوید: «المراد اشتماله علی المشقه والخطر العظیم ومن ثم امتنع السلف منه». بزرگان ما، از قضاوت و صدور حکم امتناع می‌کردند. البته یکی از احتیاطات اینست که صدور حکم فقط در حدّ ضرورت باشد. تا امکان دارد باید منازعات را با مصالحه رفع کرد. قاضی باید زیرک و توانمند باشد و تنها در مقام ضرورت و به صورت حداقلی حکم صادر کند. شیخ صدوق در باب قضای کتاب الهدایه فی الاصول والفروع صفحه ۲۸۶، به این مطلب اشاره کرده است.

تفریق شهود و تعدد مشورت، موثر در رعایت احتیاط

اگر جایی چاره‌ای جز صدور حکم نیست، رعایت دو نکته مفید فایده است. اولاً اگر مطلب از امری است که متوقف بر شهادت شهود است، از شهود به طور جدا جدا نظر خواهی کنید. البته بحث‌های شکلی قضا و تشخیص مدارک و تمییز جعلیات، روش خود را دارد. با این حال در مسئله شهود، به خصوص در جایی که موضع شک و شبهه است، تفریق شهود مفید است. «ومن الاحتیاط تفریق الشهود» (شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام ۴: ۱۴۰). البته باید بر رعایت عقلانیت در امر قضا به خصوص در امور شکلی تحفظ داشت. مثلاً ممکن است در برخی موارد و در مورد برخی افراد، تفریق، جسارت به حساب بیاید. همچنین قاضی در مسائل مشتبه و مشکوک، مفید است که مشورت متعدد داشته باشد. هر چند که در آینده با کسب تجربه، بسیاری از امور قابل تشخیص است ولی در عین حال، باز هم از مشورت نباید غافل شد. به این امر در کتب قضا و روایات اشاره شده است.

رعایت دقت و حوصله در موضوعات عرفی

بسیاری از موضوعات مورد قضاوت، عرفی هستند. گاهی عرف یک منطقه با منطقه دیگر فرق می‌کند. یکی از دستورهایی که در کتاب القضاء داریم این است که قاضی وقتی وارد شهری می‌شود به معمرین و معتمدین آن شهر مراجعه کند و موضوعات مورد نظرش را از آنها جویا شود تا بتواند به یک تصویر درست از موضوعات آن منطقه دست پیدا کند. مرحوم فیض در مفاتیح الشرایع جلد سوم صفحه ۲۴۸، می‌گوید این امور را باید از معتمدین و کسانی که آن امور را می‌دانند، سؤال کند. مثلاً، «مَنْ» در برخی شهرها سه کیلو گرم است ولی در برخی شهرهای دیگر معادل نه کیلوگرم است. بنابراین ضروری است قاضی وقتی وارد شهری می‌شود موضوعات عرفی را در آن شهر پیگیری بکند. اگر می‌خواهد بر اساس یک موضوع عرفی حکم صادر کند به خودش باید زمان بدهد. ممکن است عرف معنایی غیر از سایر معانی معهود ذهنی او داشته باشد.

مراقبت در برابر دواعی نفسانی

سه چیز انسان را وسوسه می‌کند: هوای نفس، شیطان، انسان‌های دیگر؛ وسوسه هم به سمت چیزهایی است که فطرتاً انسان به آنها تمایل دارد. البته وسوسه، نسبت به مصادیق حلال نیست؛ بلکه نسبت به مصادیق حرام است. در سوره آل عمران آیه ۱۴ می‌فرماید: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» در این امور فطری که در این آیه آمده است، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من خودم را می‌توانم حفظ کنم. حتی مراجع هم احتیاط می‌کنند. عرفای بزرگ هم احتیاط می‌کنند. چون منشاء این امور توسط خداوند در فطرت ما قرار داده شده است و مدیریتش به ما سپرده شده است. چیزی که در فطرت ما نباشد مدیریتش کار سهلی است.

یکی از علمای بزرگ ما می‌گوید از کودکی آرام آرام علاقه‌هایی در دل کودک شکل می‌گیرد. کودک، علاقه به اسباب بازی دارد. عشق این را در دلش جامی دهد. وقتی بزرگ شد، ملکه وجودش

می شود و به صورت علاقه به مال و علایق مختلف، بروز می کند. خداوند در این آیه می گوید دیگر تکلیف دارید. باید مدیریت کنید. خطراین بخش بسیار جدی است. من اسم این عنوان را حیا از مال و ناموس دیگران می گذارم. باید انسان حیای جدی داشته باشد. روایت بسیار زیادی داریم که در مورد رشوه تحذیر می کنند. بلکه هدیه را هم نهی می کنند. حالا چه نهی تنزیهی، چه تحریمی فرق ندارد. اصلش منهی عنه است. و خطر اخذ آن برای شغل قضا، فوق العاده است. به میزان درآمدهای رسمی باید اکتفا کرد. حتی در فقه نسبت به برخی مشاغل مهم توصیه شده است و علما فتوا داده اند که خریدهای روزمره شان را خودشان انجام ندهند یا از جایی بخرند که کسی آنها را نمی شناسد. این برای تحفظ بر این مطلب است که کسانی نخواهند طمعی پیدا کنند.

نسبت به ناموس دیگران هم باید کاملاً محتاط بود. حتی خودمان را در معرض امتحان هم نباید قرار دهیم. خطرش بسیار جدی است. گاهی تصویری در جایی دیده می شود و دل شخص می لرزد. اگر این مصداق خارجی پیدا کند و نیاز شما هم باشد دیگر محل خطر است.

باید در برخوردها مودب بود. مجادله نکرد. مجادله با متهم یا شاکی شرعاً مطلوب نیست. حرف اطراف دعوا را با حوصله و حلم استماع کرد. فرصت کافی به آنها داد. شاید جمله ای بگویند و باعث شود اصل حکم عوض شود. باید پاسخ حکم را فردای قیامت داد. پس حوصله باید به خرج داد و لو حرف ها تکراری می شود ولی باید صبور بود. حلم از ضروریات این شغل است.

برنامه عبادی منظم و روزانه

داشتن برنامه عبادی و توسل منظم و روزانه از ضروریات این شغل است. بسیار کمک می کند. حتی در فقه درست بسیاری از امور موثر است. از جمله نظم نماز اول وقت است. دلواپس تمام شدن جلسه دادگاه نباشید. وقت نماز وسط جلسه دادگاه است، تنفس اعلام کنید و اقامه نماز کنید. در نماز هم به خداوند باید احترام گذاشت. باید مودب و با حضور قلب حاضر شد. نماز طولانی لزوماً منظور نیست. برخی آداب، زمان نیاز ندارد. خضوع در ظاهر و خشوع در قلب رعایت شود. این اموری از

آداب الصلاه که وقت زیادی هم نمی‌گیرد رعایت شود. مثلاً دست‌ها فلان طور باشد یا چشم‌ها به مسجد متوجه باشد. امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند خشوع و خضوع یعنی اینکه به مسجدت نگاه کنی. برای یک قاضی نسبت به دیگران ضروری‌تر است که خدا را روزی چند بار حاضر ببیند. توسل و روضه و اشک و ماندن زیر سایه اهل بیت علیهم السلام هم انسان را محفوظ نگاه می‌دارد.

از آثار تکوینی آیات هم می‌توان کمک گرفت. بنده خودم از مرحوم آیت الله العظمی بهجت پرسیدم، که برای فهم و درک صحیح مطلب چه کاری انجام دهم؟ یکی از کارهایی که نیازمند درک صحیح است، قضاوت است. ایشان فرمود قبل از شروع، آیات ۲۵ تا ۳۵ سوره طه را قرائت کنم. معمولاً هم مشاهده می‌کنید که بخشی از آن را قرائت می‌کنند. این درست نیست. باید تمام این آیات خوانده شود. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵) وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶) وَ اخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي (۲۷) يَفْقَهُوا قَوْلِي (۲۸) وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي (۲۹) هَارُونَ أَخِي (۳۰) اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي (۳۱) وَ اشْرِكْهُ فِي أَمْرِي (۳۲) كَيْ نُنسِخَكَ كَثِيْرًا (۳۳) وَ نَذْكُرَكَ كَثِيْرًا (۳۴) إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيْرًا (۳۵)» خداوند هوشیاران می‌کند. ابهامات را رفع می‌کند. همچنین قبل از صدور هر حکمی ولو خیلی ساده، دقایقی را می‌توان با خدا خلوت کرد اگر هنوز صدور حکم سخت بود، پس هنوز پرونده ابهام دارد. یاد قیامت باید بود. خانه قبر را به یاد آورد. باید دید این حکم را می‌توان صادر کرد یا نه؛ قیامت می‌توان جواب داد؟ حجت وجود دارد یا خیر؟ در خانه قبر کسی به دادمان نمی‌رسد. آنجا تنها خودمان هستیم. روز قیامت کسی به دادمان نمی‌رسد. خودمان باید جواب بدهیم. کار فوق العاده سخت است. والسلام.